

اصلاحات قانون اساسی ارمنستان: تغییر ساختار سیاسی از ریاست جمهوری به پارلمانی

ولی کوزه‌گر کالجه^۱

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و متاثر از میراث اقتدارگرایی تزاریسیم و کمونیسم، «الگوی ریاستی» بر ساختار سیاسی فدراسیون روسیه و کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز حاکم گشت و به موجب آن «رئیس جمهور» در راس قدرت سیاسی، اجرایی و فرماندهی کل نیروهای مسلح قرار گرفت. این وضعیت نهادینه شده، پس از برگزاری همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی در جمهوری قرقیزستان در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۰ میلادی، دچار تغییر شد و قرقیزستان، نخستین کشور منطقه آسیای مرکزی لقب گرفت که ساختار سیاسی آن از ریاستی به پارلمانی و یا ترکیب ریاستی - پارلمانی تغییر یافت. در ادامه همین روند، جمهوری ارمنستان نیز در پی برگزاری همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی در ۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی، نخستین کشور منطقه قفقاز جنوبی شد که ساختار سیاسی آن از ریاستی به پارلمانی تغییر یافته است. هرچند تغییر ساختار سیاسی در قرقیزستان پس از التهاب‌های سیاسی انقلاب لاله‌ای (۲۰۰۵) و ناآرامی‌های سیاسی (۲۰۱۰) و با هدف جلوگیری از تمرکز قدرت در ریاست جمهوری و جلوگیری از اقتدارگرایی و بی‌ثباتی سیاسی صورت گرفت، اما تغییر ساختار سیاسی در جمهوری ارمنستان که از بایببات‌ترین نظام‌های سیاسی منطقه با برخورداری از سطح نسبی از دموکراسی و بدون تجربه ریاست جمهوری‌های مادام‌العمر به شمار می‌رفت، موضوعی بسیار شایان توجه و تأمل بود. در واقع، این پرسش مطرح می‌شود که چه دلایل، زمینه‌ها و ضرورت‌هایی موجب تغییر ساختار سیاسی در جمهوری ارمنستان در مقطع کنونی شده است؟ همچنین، این تحول، چه پیامدها و نتایجی را بر فضای سیاسی داخلی و خارجی این کشور به همراه خواهد داشت؟

مقاله پیش‌رو با مطالعه و بررسی پیشینه تاریخی و سیر تحول این رویداد و نیز دلایل، اهداف و پیامدهای ساختار سیاسی آن از ریاستی به پارلمانی، خواهد کوشید درک بهتری از این تحول مهم در ساختار سیاسی جمهوری ارمنستان به عنوان تنها همسایه مسیحی کشورمان حاصل شود.

واژگان کلیدی: قفقاز، جمهوری ارمنستان، قانون اساسی، همه‌پرسی (رفراندوم) ساختار سیاسی و سرژ سارگسیان.

^۱ . دانشجوی دکتری رشته مطالعات منطقه‌ای، گرایش مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: Vali.kalejji@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۱ و تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۴

مقدمه

جمهوری ارمنستان که آرامنه آن را «هایاستانی هانراپتوتیون»^۱ یاد می‌کنند با مساحت ۲۹۸۰۰ کیلومتر مربع (اندازه تقریبی استان مرکزی در ایران، کشور بلژیک در اروپا و یا ایالت مریلند آمریکا) در جنوب غربی منطقه قفقاز واقع شده است. جمهوری ارمنستان پس از سده‌ها تحمل سلطه خارجی و استبداد داخلی در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱ میلادی، استقلال سیاسی خود را جشن گرفت و به مثابه یک بازیگر سیاسی مستقل وارد عرصه بین‌المللی شد. ارمنستان در حالی وارد استقلال سیاسی و فرایند دشوار دولت-ملت‌سازی (کشور-ملت-پایه) شد که به تعبیر مورخ مشهور فرانسوی، گوستاو شلومبرگر^۲، تاریخ آن مملو از دلاوری و تلاش و درد و رنج ملتی است که در کشمکش سلطه قدرت‌های بزرگ در پی حفظ هویت ملی و دینی خود بود.

از جمله چالش‌های مهمی که جمهوری ارمنستان در فرایند دولت-ملت‌سازی در سال‌های پس از استقلال با آن مواجه شد، تعریف ساختار سیاسی به محوریت الگوی نظام «ریاستی»^۳ یا الگوی نظام «پارلمانی»^۴ بود. پس از مباحث متعدد و فراز و نشیب‌های فراوانی که در نیمه نخست دهه ۹۰ میلادی در فضای سیاسی ارمنستان شکل گرفت، الگوی نظام «ریاستی» در همه‌پرسی تصویب قانون اساسی ارمنستان در سال ۱۹۹۵ میلادی به تصویب رسید و بر مبنای آن، «رئیس جمهور» با اختیارات گسترده در راس قدرت سیاسی و نیز فرماندهی کل نیروهای مسلح ارمنستان قرار گرفت. هر چند طی دو دهه گذشته، کوشش‌های متعددی برای کاستن از میزان اختیارات رئیس جمهور و افزایش نقش پارلمان در این کشور صورت گرفت که نمونه بارز آن برگزاری دو همه‌پرسی ناموفق (۲۰۰۳) و موفق (۲۰۰۵) از سوی روبرت کوچاریان^۵، رئیس جمهور وقت ارمنستان بود. با این وجود، ساختار کلی سیاسی ارمنستان همچنان بر محوریت الگوی نظام «ریاستی» باقی ماند.

طرح برگزاری همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی ارمنستان و تغییر ساختار سیاسی از ریاست جمهوری به پارلمانی که در تابستان ۲۰۱۵ میلادی از سوی سرژ سارگسیان^۶، رئیس

^۱ . Hayastani Hanrapetut'yun

^۲ . Gustave Schlumberger

^۳ . Parliamentarism

^۴ . Presidentialism

^۵ . Robert Kocharyan

^۶ . Serzh Sargsyan

جمهوری ارمنستان مطرح شد، توجهات را یک بار دیگر معطوف به موضوع قدیمی و چالشی انتخاب الگوی نظام «ریاستی» یا «پارلمانی» در جامعه ارمنستان ساخت. با وجود مباحث و چالش‌های متعدد سیاسی، حقوقی و رسانه‌ای، طرح «تغییر ساختار سیاسی از ریاستی به پارلمانی» با حمایت قاطع دولت ارمنستان و نمایندگان حزب حاکم جمهوری خواه در ۵ اکتبر ۲۰۱۵ میلادی به تصویب مجلس ملی ارمنستان و در گام بعدی در همه‌پرسی ۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی به تایید نهایی اکثریت نسبی مردم ارمنستان رسید و بدین ترتیب، ساختار سیاسی جمهوری ارمنستان پس از ۲۵ سال از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و کسب استقلال سیاسی، رسماً از الگوی ریاستی به پارلمانی تغییر یافت. این تحول سیاسی مهم، این پرسش را مطرح می‌سازد که «چه دلایل، زمینه‌ها و ضرورت‌هایی موجب تغییر ساختار سیاسی در جمهوری ارمنستان در مقطع کنونی شده است؟» همچنین، «این تحول، چه پیامدها و نتایجی را بر فضای سیاسی داخلی و خارجی این کشور به همراه خواهد داشت؟» مقاله پیش‌رو با مطالعه و بررسی پیشینه تاریخی و سیر تحول این رویداد و نیز دلایل، اهداف و پیامدهای ساختار سیاسی آن از ریاستی به پارلمانی، خواهد کوشید درک بهتری از این تحول مهم در ساختار سیاسی جمهوری ارمنستان حاصل شود.

سیر تحول قانون اساسی ارمنستان تا مقطع فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی

پویش بازیگران سیاسی در هر کشوری در قالب یک ساختار سیاسی و حکومتی مشخص صورت می‌گیرد که برآیند ارزش‌های تاریخی و ملی خاص آن کشور است. ساختار سیاسی و حکومتی کشورها عموماً در قانون اساسی متبلور می‌شود و براساس یک سند قانونی، فرادستی و مورد تایید اکثریت ملت موارد مهمی چون ماهیت و نوع ساختار سیاسی، الگوی حکومتی و نحوه ارتباط و تعامل بخش‌های مختلف جامعه و حکومت در آن مشخص می‌شود. جامعه ارمنستان نیز از قاعده فوق مستثنی نبوده و ضرورت طراحی یک قانون اساسی مدون همواره از دغدغه‌های نخبگان ارمنی به شمار می‌رفت و پیشینه آن به چندین سده قبل باز می‌گردد. نخستین طرح برای قانون اساسی در ارمنستان توسط «شاهامیر شاهامیریان»^۱ در سال‌های ۱۷۷۸-۱۷۸۹ میلادی تهیه گردید. این طرح متأثر از حقوق اساسی انگلستان و ایالات متحده آمریکا بود. با توجه به وضعیت ارمنستان در آن دوران، این

^۱. Shahmir Shahmirian

پیش‌نویس جنبه تخیلی داشت و غیر قابل اجرا بود. پس از آن تا اوایل قرن بیستم و فروپاشی نظام تزاری روسیه، هیچ سخنی از قانون اساسی به میان نیامد و هیچ گونه طرحی نیز در این مورد منتشر نگردید (کوزه‌گر کالجی، الف، ۱۳۹۳: ۷۰-۷۱).

با استقلال «جمهوری ارمنستان»^۱ در ماه می سال ۱۹۱۸ میلادی که آرامنه از آن به عنوان «جمهوری اول ارمنستان»^۲ یاد می‌کنند و هراند پاسدارماجیان^۳ - نویسنده مشهور ارمنی - معتقد بود که «این کشور، نخستین کشور ارمنی بود که از دوران سلسله باگراتونی‌ها بر فلات مرتفع ارمنستان تشکیل شده بود» (پاسدارماجیان، ۱۳۶۶: ۴۹۴) نیاز به قانون اساسی بیش از پیش احساس شد، لیکن با حمله نیروهای ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی به منطقه قفقاز در سال ۱۹۲۰ میلادی به حیات سه ساله «جمهوری اول ارمنستان» و نیز جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان (۱۹۱۷-۱۹۲۰ میلادی) پایان داده شد و بدین ترتیب، فرصت تهیه قانون اساسی ارمنستان مستقل پدیدار نشد.

پس از استقرار نظام کمونیستی در ارمنستان در سال ۱۹۲۰ میلادی و شکل‌گیری «جمهوری سوسیالیستی ارمنستان شوروی»^۴ به عنوان یکی از پانزده جمهوری اتحاد جماهیر شوروی که آرامنه از آن به عنوان «جمهوری دوم ارمنستان»^۵ یاد می‌کنند در نخستین گردهمایی سراسری شوراهای ارمنستان در ۳ فوریه ۱۹۲۲ میلادی، پیش‌نویس قانون اساسی تهیه گردید. پس از تصویب قانون اساسی ۱۹۲۴ اتحاد جماهیر شوروی و بر طبق اصول آن در چهاردهمین گردهمایی سراسری شوراهای ارمنستان در سال ۱۹۲۵ میلادی، نخستین قانون اساسی ارمنستان شوروی تهیه و به تصویب رسید. پس از تجدیدنظرهایی در قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۳۷ میلادی و در گردهمایی فوق‌العاده شوراهای ارمنستان، تغییراتی در قانون اساسی این جمهوری شوروی داده شد. آخرین بازنگری در قانون اساسی جمهوری ارمنستان اتحاد جماهیر شوروی در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۷۸ میلادی صورت گرفت. در این تاریخ شورای عالی ارمنستان با توجه به تغییراتی که در قانون اساسی ۱۹۷۷ میلادی اتحاد جماهیر شوروی نسبت به قانون اساسی پیشین صورت گرفته بود، قانون اساسی جمهوری ارمنستان را با اصول قانون اساسی ۱۹۷۷ میلادی هماهنگ نمود. این قانون اساسی تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به حیات خود ادامه داد (روشندل و قلی‌پور، ۱۳۷۷: ۷۵-۷۴).

^۱ . Republic of Armenia

^۲ . First Republic of Armenia

^۳ . Hrand Pasdermajian

^۴ . Armenian Soviet Socialist Republic

^۵ . Second Armenian Republic

بدین ترتیب، ارمنستان تا قبل از کسب استقلال سیاسی در سال ۱۹۹۱ میلادی، تابع نظامی بود که به آن عنوان «فدراتیو» اطلاق می‌شده است. هر چند بین الگوی فدرال سوئیس، استرالیا و شوروی وجوه تمایز فراوانی وجود داشت ولی در مجموع همان‌طور که ابوالفضل قاضی به آن اشاره نموده است، اتحاد جماهیر شوروی به لحاظ برخورداری از یک شورای عالی متشکل از شورای اتحاد^۱ و شورای ملیت‌ها^۲ به الگوی کلاسیک فدرالیسم نزدیک بود (قاضی، ۱۳۷۱). بنابراین ارمنستان اتحاد جماهیر شوروی نیز جزئی از یک نظام ریاستی با ماهیت اقتدارگرایی فدرال محسوب می‌شد و این ساختار سیاسی تا مقطع فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال سیاسی ارمنستان بر این جمهوری حاکم بود.

استقلال ارمنستان و چالش ساختار سیاسی جدید: نظام ریاستی یا پارلمانی؟

اجرای دو طرح سیاسی و اقتصادی از سوی میخائیل گورباچف^۳، موسوم به «پرسترویکا»^۴ (بازسازی اقتصادی) و «گلاسنوست»^۵ (شفافیت سیاسی) در نیمه دوم دهه ۸۰ میلادی، شرایط پرتلهایی را بر اتحاد جماهیر شوروی به ویژه مناطق آسیای مرکزی و قفقاز حاکم ساخت. در چنین شرایطی بود که در بستر خیزش ملی‌گرایی قومی و ملی، «واژگن مانوکیان»^۶ از رهبران ارشد جنبش ملی ارامنه مقاله مشهوری را با عنوان «وقت آن است که از قطار بیرون بپریم»^۷ در یک روزنامه محلی ارمنی در بهار سال ۱۹۹۱ میلادی منتشر ساخت. مراد مانوکیان از قطار، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود؛ قطار کهنه و فرسوده‌ای که مسافران زیادی را از ملیت‌های مختلف به اجبار با خود همراه ساخته بود و در انتهای دهه ۸۰ میلادی و به موازات طرح‌هایی چون گلاسنوست و پرسترویکا به انتهای خط رسیده بود. اکنون وقت آن بود که ملیت‌های مختلف از جمله ملت ارمنی به تعبیر مانوکیان از قطار بیرون بپرند (کوزه‌گر کالجی، الف، ۱۳۹۳: ۱۳). «تاتول هاکوبیان»^۸ روزنامه نگار مشهور

1. Soviet of the Union

2. Soviet of Nationalities

3. Mikhail Gorbachev

4. Perestroika

5. Glasnost

6. Vazgen Manukian

7. It is Time to Jump off the Train

8. Tatul Hakobyan

ارمنی نیز بر این باور بود که «استقلال در پشت درهای کشور در حال در زدن بود و آرامنه مجبور به پذیرش آن بودند».

در چنین فضایی، ارمنستان اعلامیه استقلال سیاسی از اتحاد جماهیر شوروی را در ۲۳ اوت ۱۹۹۱ میلادی صادر نمود و چند ماه بعد، همه‌پرسی استقلال سیاسی ارمنستان در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱ میلادی برگزار شد. در این همه‌پرسی بیش از ۹۵ درصد واجدین شرایط شرکت کردند و ۹۹/۵ درصد از رای‌دهندگان به استقلال ارمنستان از اتحاد جماهیر شوروی رای مثبت دادند. بدین ترتیب، «جمهوری ارمنستان» که آرامنه از آن با عنوان «جمهوری سوم ارمنستان»^۱ یاد می‌کنند در دسامبر ۱۹۹۱ میلادی به استقلال سیاسی رسید.

بلافاصله پس از استقلال ارمنستان، خروج از الگوی سابق قانون اساسی مورد توجه نخبگان جدید ارمنی و بازیگران عرصه سیاست قرار گرفت. هر چند تا زمان تدوین پیش نویس قانون اساسی جدید و تصویب آن در جولای ۱۹۹۵ میلادی، قانون اساسی گذشته همچنان به عنوان منبع اصلی حقوق اساسی ارمنستان شناخته می‌شد. به منظور تدوین پیش نویس قانون اساسی، پارلمان جدید ارمنستان که چندین گروه نوپای سیاسی را در خود جای داده بود، کمیته‌ای را موسوم به «کمیته منتخب تدوین قانون اساسی» مامور انجام این کار نمود. از سویی دیگر، احزاب و گروه‌های سیاسی نیز هر یک به تهیه پیش‌نویس قانون اساسی مورد نظر خود مبادرت ورزیدند. از میان آن‌ها، تنها یک پیش‌نویس که توسط هیات متشکل از نمایندگان حزب لیبرال آرمناکان-رامگاوار، دانشناکسوتیون، حزب دموکراتیک ارمنستان، حزب مردمی دهقانی و انجمن قانونگذاری ارمنستان تهیه شده بود، مورد توجه محافل سیاسی ارمنستان قرار گرفت؛ چرا که نظام حکومتی متفاوتی را پیش‌بینی می‌کرد. در پیش‌نویس کمیته منتخب، تدوین قانون اساسی بر اساس الگوی نظام «ریاستی»^۲ و در پیش‌نویس نمایندگان احزاب و گروه‌های شش‌گانه، الگوی نظام «پارلمانی»^۳ مورد توجه قرار گرفته بود. ریشه این تفاوت به تمایلات سیاسی متفاوت هر یک از دو گروه (دولت و احزاب) بر می‌گشت. رویکرد سیاسی گروه اول (دولت) اقتدارگراتر بود، ضمن این که حاکمیت سیاسی را در دست داشت و از تجربه حکومتی نیز برخوردار بود؛ چرا که برخی از عناصر آن

^۱. Third Armenian Republic

^۲. Parliamentarism

^۳. Presidentialism

در دوران شوروی در حکومت ارمنستان نقش داشتند. با این وجود در متن پیشنهادی دولت، اقتدارگرایی، ابهام و یا سکوت در برابر برخی مسائل نیز مشاهده می‌شد (روشندل، ۱۳۷۴: ۶۶). گروه احزاب مخالف نیز طیف وسیع و متنوعی را تشکیل می‌داد که در آن از تندروها تا میانه‌روها وجود داشت. برخی از عناصر این احزاب، افرادی بودند که سال‌ها در اروپا و آمریکا زندگی می‌کردند و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به ارمنستان بازگشتند؛ لذا تحت تأثیر فرهنگ سیاسی کشور محل اقامت خود و یا علایق و اعتقادات گروهی و خاص خود به تدوین پیش‌نویس پرداختند. در متن پیشنهادی این گروه‌ها، گرایش‌های آزاد منشانه‌تری وجود داشت. نظام حکومتی مطلوب این گروه نظام پارلمانی بود (کوزه‌گر کالجی، الف، ۱۳۹۳: ۷۲).

بدین ترتیب در نیمه ابتدایی دهه ۹۰ میلادی، دو الگوی ریاستی و پارلمانی برای ساختار سیاسی جدید ارمنستان مطرح شد. الگوی پارلمانی، نظامی است که تفکیک قوا به طور نسبی در قانون اساسی اعلام شده و دولت در برابر قوه مقننه مسئول است و قوه مقننه حق دارد و می‌تواند دولت را از قدرت برکنار و دولت نیز به نوبه خود حق دارد که مجلس را منحل کند (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۲۰۳). در مقابل، نظام ریاستی محصول اندیشه تفکیک قوا است. بنابر این، هر رژیم مبتنی بر نظام ریاستی دارای قوه مقننه، مجریه و قضائیه می‌باشد. اما فقط دو قوه مجریه و مقننه از طریق انتخابات جداگانه و به وسیله آرای مردم برگزیده می‌شوند. بسیاری از اندیشمندان حقوق اساسی، برتری دو قوه مجریه و مقننه را مورد تأکید قرار داده و حتی انتخابات نمایندگان قوه مقننه و مجریه را از یکدیگر جدا دانسته برای آن دو نوبت مجزا را پیش‌بینی کرده‌اند. عدم مداخله یک قوه در امور قوه دیگر و تخصصی بودن کار هر یک از دستگاه‌ها نیز از دیگر ویژگی‌های مهم نظام ریاستی به شمار می‌رود (قاضی، ۱۳۷۱).

همه‌پرسی قانون اساسی (جولای ۱۹۹۵): شکل‌گیری ساختار سیاسی ریاستی

پس از کش و قوس‌های فراوان میان دولت و احزاب مخالف، پیش‌نویس مورد حمایت دولت در جولای سال ۱۹۹۵ میلادی هم‌زمان با انتخابات پارلمانی به همه‌پرسی گذاشته شد. صرف نظر از چالش‌های حقوقی و کشمکش‌های دولت و احزاب مخالف، شرایط سیاسی و اجتماعی ارمنستان در مقطع برگزاری رفراندوم قانون اساسی بسیار حساس بود. کمتر از یک سال از انعقاد قرارداد آتش‌بس با جمهوری آذربایجان گذاشته بود و دولت

لئون ترپتروسیان^۱ نیز سال بسیار پرتنشی را با احزاب و جریانات سیاسی مخالف تجربه کرده بود. در چنین شرایطی، دولت ترپتروسیان تمامی ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای خود را برای تشویق مردم ارمنستان به شرکت در فراندوم و رای مثبت به پیش‌نویس مورد نظر دولت به کار گرفت.

ترپتروسیان یک روز قبل از رای‌گیری به مردم هشدار داد که عدم تصویب قانون اساسی می‌تواند ارمنستان را وارد یک جنگ داخلی کند. به هر صورت دولت توانست راه را برای همه پرسى قانون اساسی هموار سازد و مردم ارمنستان برای استقرار نظام جدید سیاسی در ۵ جولای ۱۹۹۵ میلادی به پای صندوق‌های رای رفتند. اختلافاتی که میان حزب مخالف و دولت بر سر پیش‌نویس قانون اساسی بروز کرده بود، موجب شد تنها نیمی از واجدین شرایط یعنی ۵۵/۶ درصد در فراندوم شرکت کنند. با این وجود، متن جدید قانون اساسی با رای مثبت ۷۰/۳ درصدی مشارکت‌کنندگان به تصویب نهایی رسید (کوزه‌گر کالجی، الف، ۱۳۹۳: ۷۵). جدول شماره ۱ گویای نتایج فراندوم قانون اساسی ارمنستان در ۵ جولای ۱۹۹۵ میلادی است.

جدول شماره ۱: نتایج همه‌پرسی قانون اساسی ارمنستان (۵ جولای ۱۹۹۵ میلادی)

گزینه‌ها	تعداد آرا	درصد آرا
آرای موافق	۸۲۸/۳۷۰	۷۰/۳
آرای مخالف	۳۴۹/۷۲۱	۲۹/۷
آرای سفید و باطله	۳۹/۴۴۰	-
مجموع کل آرا / درصد مشارکت	۲/۱۸۹/۸۰۴	۵۵/۶

Source: (Nohlen & Hartmann, 2001: 329)

اما بر خلاف آمار رسمی منتشر شده از سوی کمیسیون مرکزی انتخابات، ارقام احزاب مخالف چیز دیگری را نشان می‌داد. احزاب مخالف دولت مدعی بودند که تعداد آرای مثبت ۳۹۲ هزار و رقم آرای منفی ۳۶۱ هزار و ۴۰۰ می‌باشد و نیز هیچ یک از احزاب و گروه‌های مخالف در روند شمارش آرا شرکت نداشتند. همچنین کمیسیون مرکزی انتخابات، نتایج حاصل از شمارش صندوق‌ها را نیز اعلام نکرد. طبق ادعای احزاب مخالف، فقط ۳۴/۴ درصد از واجدین در انتخابات شرکت کرده‌اند که از میان آن‌ها فقط ۱۷/۹ درصد رای مثبت و ۱۶/۵

^۱. Levon Ter-Petrosyan

درصد رای منفی داده‌اند (آلیک، ۱۸ تیر ۱۳۷۴). بدین ترتیب، پس از چالش‌های فراوان، پیش‌نویس مورد نظر دولت ارمنستان با رای مثبت ثابت ۷۰/۳ درصد از شرکت‌کنندگان در انتخابات به عنوان قانون اساسی ارمنستان پذیرفته شد که مهم‌ترین پیامد آن حاکمیت «نظام ریاستی» در ارمنستان بود.

عوامل متعددی موجب شد تا تنها پیش‌نویس ارائه شده از سوی جناح حاکم (جنبش ملی ارمنه به رهبری لئون ترپتروسیان) به همه‌پرسی گذاشته شود و پیش‌نویس‌های دیگر به فراموشی سپرده شوند. پشتیبانی دولت از این پیش‌نویس، تصویب پیش‌نویسی مشابه در روسیه و مخالفت قدرت‌های داخلی و خارجی با برخی اصول مطرح شده در سایر پیش‌نویس‌ها که تنش‌هایی را بین ارمنستان و سایر قدرت‌های منطقه به ویژه ترکیه به وجود می‌آورد از مهم‌ترین دلایل به همه‌پرسی گذاشتن پیش‌نویس دولت بود (کتاب سبز ارمنستان، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

اما چرا ارمنستان با وجود گرایش‌های آزاد منشانه‌تر نظام پارلمانی که به آن اشاره شد، نظام ریاستی مشابه روسیه را برگزید؟ در پاسخ باید گفت، اصولاً از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی، تغییر فرهنگ که اعتقاد به یک نظام سیاسی جدید و آزمون نشده رابطه مستقیم با آن دارد، امری است که به سادگی امکان ندارد. مردم باید طرز تلقی‌ها، انتظارات و توقعات خود را تغییر دهند. این تلقی‌های «کلیشه‌شده» حاصل سال‌ها و نسل‌ها سعی و خطا است و به یک باره تغییر نمی‌کند.^۱ به ویژه اگر توجه داشته باشیم که جامعه ارمنستان بدون این‌که انقلابی در آن رخ دهد برای سه نسل متوالی تحت تاثیر و فشار حساب شده الگوهای مارکسیستی بوده است. بنابراین، کشش اکثریت رای دهندگان ارمنی به سوی یک الگوی نسبتاً اقتدارگرای حکومتی، امری است که چندان غیر عادی به نظر نمی‌رسد. برای تغییر الگوها نیاز به تغییر باورها و ایدئولوژی و تغییر زیربنای فرهنگی وجود دارد که جامعه ارمنی در آن مقطع به حد کافی در آن مسیر پانهاده بود (روشندل، ۱۳۷۴: ۶۷).

علاوه بر این عامل جامعه‌شناختی، عوامل دیگری نیز در تصویب پیش‌نویس مورد نظر دولت موثر بود. پشتیبانی سیاسی و تبلیغاتی دولت، مخالفت دولت و جریان‌های سیاسی محافظه‌کار و ملی‌گرا با اعطای حق شهروندی مضاعف به دیاسپورای ارمنی و در نهایت تاکید

^۱ . ضمن این‌که در همه‌پرسی مذکور، تعداد شرکت‌کنندگان نسبتاً کم (حدود ۴۰ درصد واجدین شرایط) نیز بوده است.

فراوان پیش نویس مورد احزاب از «دادخواهی ارمنی»^۱ و نگرانی دولت ارمنستان از پیامدها و عواقبی که تصویب آن می‌توانست برای روابط خارجی ارمنستان با قدرت‌های بزرگ و همسایه پدید آورد، موجب شد در نهایت پیش نویس قانون اساسی مورد نظر دولت در همه‌پرسی قانون اساسی جولای ۱۹۹۵ میلادی به تصویب برسد و با شکل‌گیری رسمی ساختار سیاسی جدید، فصل جدیدی در حیات سیاسی جامعه ارمنستان آغاز شود (کوزه‌گر کالجی، الف، ۱۳۹۳: ۷۴).

نخستین کوشش (ناموفق) برای اصلاح قانون اساسی ارمنستان (می ۲۰۰۳)

در بخش مربوط به روند تصویب قانون اساسی ارمنستان به تهیه دو پیش‌نویس متفاوت اشاره شد. پیش‌نویس اول مربوط به دولت و جنبش ملی ارمنه بود که در آن از استقرار نظام ریاستی همراه با اختیارات گسترده رئیس‌جمهور حمایت می‌کرد و در مقابل، پیش‌نویس دوم مربوط به احزاب مخالف دولت بود که در آن، استقرار نظام پارلمانی و کاستن از اختیارات رئیس‌جمهور پیش‌بینی شده بود. در نهایت و پس از کش و قوس‌های فراوان در فرآیند جولای ۱۹۹۵ میلادی، پیش‌نویس اول به تصویب رسید و بدین ترتیب نظام ریاستی با اعطای قدرت و اختیارات گسترده به شخص رئیس‌جمهور به عنوان نظام سیاسی جدید ارمنستان استقرار یافت. اما این امر به معنی پایان انتقادات احزاب مخالف نسبت به برخی از اصول قانون اساسی به ویژه قدرت و اختیارات گسترده رئیس‌جمهور نبود. احزاب مخالف دلیل بسیاری از رویکردهای اقتدارگرایانه ترپتروسیان را ناشی از ساختار سیاسی ریاستی ارمنستان می‌دانستند. پیوستن ارمنستان به شورای اروپا در سال ۲۰۰۱ میلادی به منزله

^۲ . منظور از «دادخواهی ارمنی» تحولات انتهای قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم میلادی مرتبط با قتل‌عام ارمنه و کوچ اجباری آن‌ها از سوی ترکان جوان امپراطوری عثمانی است که نقطه اوج آن، موضوع قتل‌عام ارمنه در ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ میلادی است که ارمنه از آن تحت عنوان «نسل‌کشی» یاد می‌کنند و بیش از ۱۰۰ سال است که خواهان به رسمیت شناختن «نسل‌کشی ارمنه» از سوی دولت ترکیه، عذرخواهی رسمی و پرداخت غرامت به بازماندگان این حادثه هستند؛ درخواستی که تاکنون هیچ یک از دولت‌های ترکیه حاضر به پذیرش آن نشده‌اند. اهمیت موضوع دادخواهی ارمنی برای جامعه دیاسپورای ارمنی (مهاجرین ارمنی) خارج از ارمنستان بدان جهت است که این بخش از ارمنه، خود را بازماندگان مستقیم نسل‌کشی ارمنه می‌دانند و به لحاظ سیاسی نیز حزب داشناکسوتیون به دلیل جایگاه سنتی در جامعه دیاسپورای ارمنی بیش از سایر احزاب و جریان‌های سیاسی، پیگیر موضوع به رسمیت شناختن «نسل‌کشی ارمنه» از سوی دولت ترکیه در فضای سیاسی داخل ارمنستان و نیز در سطح بین‌المللی است.

تحولی دیگر در انتقاد از ساختار سیاسی این کشور بود. شورای اروپا توصیه‌هایی را به دولت روبرت کوچاریان^۱ در رابطه با اصلاح ساختار سیاسی، کاستن از میزان قدرت و اختیارات رئیس جمهور، افزایش قدرت و اعتبار پارلمان، تقویت نظام قضایی مستقل و ایجاد جامعه مدنی مطرح ساخت تا دولت ارمنستان با اجرای آن‌ها، گام‌های سریع‌تری را در همگرایی با ارزش‌های اروپایی و نیز الحاق به نهادهای اروپایی بردارد.

دولت روبرت کوچاریان نیز به شورای اروپا متعهد شد اصلاحات مورد نظر را در بازنگری قانون اساسی ارمنستان مورد توجه قرار دهد. بدین منظور دولت کوچاریان پس از بحث و بررسی فراوان، اصلاحاتی را در قانون اساسی ارمنستان با محور کاستن از اختیارات رئیس جمهور پیشنهاد نمود و در ۲۵ می سال ۲۰۰۳ و هم‌زمان با برگزاری انتخابات پارلمانی، آن را به همه‌پرسی گذاشت. همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی با مشارکت ۵۱/۱ درصدی مردم ارمنستان همراه بود و در آن ۵۰/۵۶ درصد شرکت‌کنندگان به اصلاحات پیشنهادی رای مثبت دادند و در مقابل، ۴۹/۴۴ درصد نیز با آن مخالفت نمودند. با توجه به این‌که کمتر از یک سوم مشارکت‌کنندگان به اصلاحات پیشنهادی رای مثبت دادند، این اصلاحات مورد تصویب قرار نگرفت و دولت کوچاریان در پیشبرد اصلاحات مورد نظر خود با ناکامی مواجه شد (کوزه‌گر کالجی، الف، ۱۳۹۳: ۱۸۴). جدول شماره ۲ گویای نتایج فراندوم اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۰۳ میلادی است.

جدول شماره ۲: نتایج همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی ارمنستان (۲۵ می ۲۰۰۳ میلادی)

گزینه‌ها	تعداد آرا	درصد آرا
آرای موافق	۵۶۳/۲۰۵	۵۰/۵۶
آرای مخالف	۵۵۰/۶۶۸	۴۹/۴۴
آرای باطله	۱۰۲/۷۰۸	-
مجموع آرا	۱/۳۱۶/۵۸۱	۵۱/۱

So(ElectionGuide, February 23, 2012)

دومین کوشش (موفق) برای اصلاح قانون اساسی ارمنستان (نوامبر ۲۰۰۵)

دولت روبرت کوچاریان به دلیل اهمیت نزدیک شدن به ارزش‌ها و استانداردهای اروپایی و نیز شرایط سیاسی حاکم بر جهان پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (گسترش

^۱ . Robert Kocharyan

دموکراسی در سطح جهان) و حوادث منطقه قفقاز و اروپای شرقی (وقوع انقلاب نارنجی در اوکراین و انقلاب گل رز در گرجستان) با وجود ناکامی در تصویب اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۰۳ میلادی، بر ایجاد تغییرات در قانون اساسی مصوب سال ۱۹۹۵ بیش از پیش مضمم شد. در این راستا، دولت کوچاریان، پیش‌نویس جدیدی را در سال ۲۰۰۴ تهیه نمود که اصلاحات مندرج در آن با انتقاد کمیسیون و نیز شورای اروپا مواجه شد (Asatryan, March 11, 2005). با تغییراتی که در متن پیش‌نویس در سپتامبر سال ۲۰۰۵ صورت گرفت، ملاحظات و انتظارات شورای اروپا برآورده شد. محور اصلی تغییرات در پیش‌نویس قانون اساسی جدید، کاستن از اختیارات رئیس‌جمهور و واگذاری بخشی از اختیارات به نخست‌وزیر، وزیران و پارلمان بود تا اصل تفکیک قوای سه‌گانه در ساختار سیاسی ارمنستان روند متوازن‌تری گیرد. همچنین با هدف استقرار نظام قضایی مستقل، رئیس‌جمهور از مقام شورای قضایی کنار گذاشته می‌شد و این شورا به صورت مستقل و بدون دخالت دولت، وظیفه انتصاب قضات را در نظام قضایی ارمنستان برعهده می‌گرفت. قانون اساسی جدید، احترام و توجه بیشتری را به حقوق بشر، آزادی‌های اجتماعی و حقوق شهروندی نمود و با لغو ممنوعیت شهروندی مضاعف، این امکان را فراهم می‌آورد که ارامنه خارج از ارمنستان (جامعه دیاسپورای ارمنی) نیز بتوانند تابعیت ارمنستان را کسب نمایند. از دیگر تغییرات مهم می‌توان به مواردی چون اعطای مصونیت و منع تعقیب قضایی رئیس‌جمهور پس از پایان دوره ریاست جمهوری، عدم نیاز به برگزاری همه‌پرسی در مورد تغییرات در مرزهای کشور و نیز انتخابی شدن سمت شهرداری ایروان بود (ElectionGuide. November 27, 2005).

اما زمانی که پیش‌نویس جدید قانون اساسی در مجلس ملی ارمنستان مطرح شد، احزاب مخالف دولت آن را به کلی تحریم کردند (Radio Free Europe, November 23, 2005). با این وجود، دولت کوچاریان با اتکا به اکثریت پارلمانی که در اختیار حزب جمهوری‌خواه و دانشکوتیون بود، توانست متن پیش‌نویس جدید را به تصویب برساند و برای تایید نهایی در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۵ به همه‌پرسی بگذارد. اما دولت کوچاریان برای تصویب اصلاحات مورد نظر خود، مسیر بسیار دشواری را پیش روی خود داشت. ائتلافی از ۱۷ حزب مخالف در مقابل اصلاحات مورد نظر دولت کوچاریان موضع گرفتند (Caucas, December 13, 2005).

محور اصلی مخالفت مخالفین را بیش‌تر دو موضوع اعطای مصونیت و منع تعقیب قضایی رئیس‌جمهور پس از پایان دوره ریاست جمهوری (به دلیل مصونیت بخشی به کوچاریان) و اعطای حق شهروندی مضاعف به دیاسپورای ارمنی (به دلیل تهدید هویت ملی

اصلاحات قانون اساسی ارمنستان: تغییر ساختار سیاسی از ریاست جمهوری به پارلمانی /۱۷۱

ارامنه داخل ارمنستان و خدشه‌دار شدن استقلال کشور) تشکیل می‌داد. به این دلیل، اپوزیسیون خواستار تحریم رفراندوم اصلاحات قانون اساسی از سوی مردم ارمنستان شدند و از آنان خواستند مشابه انقلاب گل رز گرجستان (سال ۲۰۰۳ میلادی) در مقابل دولت کوچاریان وارد عمل شوند. با این وجود، احزاب مخالف به دلیل دسترسی محدود به رسانه‌ها و امکانات تبلیغی، امکان بسیج و سازماندهی اعتراضات گسترده را نیافتند؛ به گونه‌ای که در تجمع اعتراض آمیزی که یک هفته قبل از همه پرسی در ایروان برگزار شد، تنها ۱۵۰۰ نفر شرکت کردند (Radio Free Europe, November 28, 2005).

این در حالی بود که دولت کوچاریان کلیه امکانات رسانه‌ای دولتی را برای تشویق مردم به مشارکت در همه‌پرسی و دادن رای مثبت به آن به کار گرفت و حتی کوشش نمود در هفته‌های منتهی به همه‌پرسی، یک نسخه از متن قانون اساسی جدید در اختیار همه خانواده‌های ارمنستان قرار گیرد. علاوه بر این، حمایت اکثر کشورها و نهادهای غربی از روند اصلاحات در قانون اساسی نیز پشتوانه سیاسی مناسبی را برای دولت کوچاریان فراهم ساخت. اتحادیه اروپا، سازمان امنیت و همکاری اروپا، ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی این اصلاحات را گام مهمی در مسیر نهادسازی و ایجاد ساختارهای دموکراتیک در ارمنستان توصیف می‌کردند (Armenialiberty, November 9, 2005). به هر ترتیب، همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی ارمنستان در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۵ میلادی برگزار شد. آمارهای رسمی حکایت از مشارکت ۶۵ درصدی مردم ارمنستان در این همه‌پرسی داشت که این مشارکت یکی از بالاترین سطح مشارکت سیاسی پس از استقلال ارمنستان به شمار می‌رفت. بیش از ۹۴/۵ درصد مشارکت کنندگان به قانون اساسی جدید رای مثبت دادند و در مقابل کمتر از پنج درصد نیز به آن رای منفی دادند (کوزه‌گر کالجی، الف، ۱۳۹۳: ۱۸۶). جدول شماره ۳ گویای نتایج رفراندوم اصلاحات قانون اساسی ارمنستان در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۵ میلادی است.

جدول شماره ۳: نتایج همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی ارمنستان (۲۷ نوامبر ۲۰۰۵ میلادی)

گزینه‌ها	تعداد آرا	درصد آرا
آرای موافق	۱/۴۱۱/۷۱۱	۹۴/۵
آرای مخالف	۸۲/۰۱۸	۵/۵
آرای باطله	۲۰/۳۶۴	-
مجموع آرا	۱/۵۱۴/۳۰۷	۶۵/۳

Source: (ElectionGuide, February 23, 2012)

بدین ترتیب، اصلاحات پیش‌بینی شده به تایید نهایی رسید و مقرر شد پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۷ میلادی به عنوان قانون اساسی جدید ارمنستان جایگزین قانون اساسی مصوب سال ۱۹۹۵ میلادی شود. روبرت کوچاریان نتایج همه‌پرسی را «یک پیروزی بزرگ در راستای تقویت دموکراسی و شکل‌گیری جامعه مدنی در ارمنستان خواند» (Armenialiberty, November 29, 2005). اما احزاب مخالف، میزان مشارکت، روند برگزاری همه‌پرسی و نتایج آن را مورد انتقاد قرار دادند. این احزاب، نشان دادن «رای آری»^۱ توسط کوچاریان در روز رای‌گیری را نشانه آشکاری از تخلف و نقض قانون اساسی ارمنستان می‌دانستند و معتقد بودند که میزان مشارکت به مراتب کمتر از میزانی است که دولت اعلام کرده است (Radio Free Europe, November 27, 2005). گزارش ناظران شورای اروپا نیز حاکی از برخی تخلفات در روند برگزاری همه‌پرسی بود. به اعتقاد این ناظران، میزان مشارکت در حدود ۳۳ درصد بود (Eurasianet.org, November 28, 2005). آمریکا نیز از دولت کوچاریان خواستار انجام تحقیقاتی در زمینه تخلفات صورت گرفته شد و اتحادیه اروپا نگرانی‌های خود را به دولت کوچاریان منتقل نمود (Armenialiberty, December 28, 2005). نکته شایان توجه این‌که برخی از مقامات ارشد دولت کوچاریان نظیر «هرانوش خاراتیان»^۲، رئیس «بخش دولتی اقلیت‌های قومی و مذهبی»^۳ و «آلوارد پتروسیان»^۴ از حزب داشناکسوتیون (از احزاب ائتلافی در دولت) نیز نگرانی‌هایی را در مورد سلامت همه‌پرسی مطرح کردند (Armenialiberty, December 28, 2005).

با وجود همه ابهامات و انتقادات داخلی و خارجی، کمیسیون مرکزی انتخابات ارمنستان، نتایج همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی را مورد تایید قرار داد و این قانون پس از برگزاری انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۷، جایگزین قانون اساسی سال ۱۹۹۵ شد (Danielyan and Khachatryan, November 26, 2005).

سومین کوشش (موفق) برای اصلاح قانون اساسی ارمنستان (دسامبر ۲۰۱۵)

پس از گذشت دو دهه از زمان تصویب قانون اساسی در دولت لئون ترپتروسیان^۵ و شکل‌گیری ساختار سیاسی ریاستی در سال ۱۹۹۵ میلادی و یک دهه پس از تصویب

¹. 'Yes' Ballot Paper

². Hranush Kharatian

³. Government Department of Ethnic Minorities and Religious Affairs

⁴. Alvard Petrosian

⁵. Levon Ter-Petrosyan

اصلاحات قانون اساسی در دولت روبرت کوچاریان در سال ۲۰۰۵ میلادی و نیز تصور غالبی که از تثبیت ساختار ریاستی در نظام سیاسی ارمنستان وجود داشت، سومین کوشش برای اصلاح قانون اساسی در دولت سرژ سارگسیان رقم خورد. در این راستا، ابتدا «کمیته ویژه اصلاحات قانون اساسی»^۱ شکل گرفت و مسئولیت تدوین موارد اصلاحی را برعهده گرفت. پس از تکمیل این فرایند، پیش‌نویس اصلاحات قانون اساسی ارمنستان در قالب لایحه‌ای از سوی سرژ سارگسیان در ۲۱ اوت ۲۰۱۵ میلادی تقدیم مجلس ملی ارمنستان شد که در آن برگزاری یک همه‌پرسی در ۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی برای تغییر ساختار سیاسی کشور از ریاست جمهوری به پارلمانی درخواست شده بود.

ارائه این لایحه، فضای سیاسی ارمنستان به ویژه مجلس ملی این کشور را در ماه‌های اوت، سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۵ میلادی به شدت تحت تاثیر قرار داد و مباحث مختلفی در موافقت و مخالفت با طرح اصلاح قانون اساسی ارمنستان مطرح شد. در سطح مجلس ملی ارمنستان، نمایندگان وابسته به «حزب جمهوری‌خواه ارمنستان»^۲ (حزب حاکم)، «فدراسیون انقلابی ارمنی» (داشناکسوتیون)^۳ و «ارمنستان شکوفا»^۴ از موافقان و حامیان تصویب این لایحه بودند. در مقابل، نمایندگان «کنگره ملی آرامنه»^۵ و «حزب میراث»^۶ به مخالفت با این لایحه برخاستند. در نهایت، پس از کش و قوس‌های فراوان، مجلس ملی جمهوری ارمنستان در ۵ اکتبر ۲۰۱۵ میلادی، لایحه پیشنهادی دولت سرژ سارگسیان را با ۱۰۴ رای مثبت در مقابل ۱۰ رای منفی و ۳ رای ممتنع به تصویب رسید و مقرر شد که این مصوبه در ۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی در یک همه‌پرسی به رای گذاشته شود.

در فاصله تقریباً دو ماهه مابین تصویب طرح در مجلس ملی و روز برگزاری همه‌پرسی (۵ اکتبر تا ۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی)، جناح‌ها و احزاب سیاسی مختلف در ارمنستان در دو جبهه موسوم به «آری» و «نه» به طرح نظرات و دیدگاه‌های خود در قبال قانون اساسی جدید کشور پرداختند (مارکاریان، ۱۰ آبان ۱۳۹۴). از منظر دولت ارمنستان یعنی سرژ

^۱ . Specialised Commission on Constitutional Reforms

^۲ . Republican Party of Armenia

^۳ . Armenian Revolutionary Federation (Dashnaksutyun)

^۴ . Prosperous Armenia

^۵ . Armenian National Congress

^۶ . Heritage

سارگسیان و حزب حاکم جمهوری خواه و «جبهه آری»^۱، تغییر نظام سیاسی از ریاست جمهوری به پارلمانی اقدامی در جهت تثبیت دموکراسی، کاهش اقتداراگرایی، نقش موثرتر پارلمان و احزاب سیاسی در سرنوشت سیاسی کشور، حضور و نقش آفرینی بیشتر احزاب اقلیت در ترکیب مجلس ملی، خداحافظی کامل با ساختارهای ریاستی و اقتدارگرایی به جامانده از دوران کمونیسم و نزدیک‌تر شدن به استانداردهای اتحادیه اروپا در زمینه دموکراسی و انتخابات آزاد، شفاف، رقابتی و دموکراتیک بود (کوزه‌گر کالجی، ۴ آبان ۱۳۹۴).

اما از دیدگاه احزاب مخالف دولت ارمنستان و «جبهه نه»^۲، تغییر نظام سیاسی از ریاست جمهوری به پارلمانی، نه اقدامی حقوقی بلکه سیاسی و در راستای تثبیت جایگاه سرژ سارگسیان و حزب حاکم جمهوری خواه است. در واقع، مخالفین بر این باورند که با توجه به اتمام دور دوم ریاست جمهوری سارگسیان در سال ۲۰۱۸ میلادی، تغییر نظام سیاسی از ریاست جمهوری به پارلمانی این امکان را فراهم می‌سازد تا سرژ سارگسیان پس از پایان دوره ریاست جمهوری بتواند در قامت نخست‌وزیر ارمنستان به حضور خود در راس قدرت سیاسی ارمنستان ادامه دهد. لذا مخالفان و منتقدین این اقدام را به منزله تثبیت جایگاه حزب حاکم جمهوری خواه می‌دانند که از زمان به قدرت رسیدن روبرت کوچاریان در انتهای دهه ۹۰ میلادی تاکنون، کانون‌های اصلی قدرت را در ارمنستان در اختیار دارد (کوزه‌گر کالجی، ۴ آبان ۱۳۹۴).

در این بین، ترکیب احزاب سیاسی موافق و مخالف اصلاحات قانون اساسی نیز بسیار شایان توجه بود. «حزب حاکم جمهوری خواه ارمنستان»^۳ (هایاستانی هانراپتاکان کوساکتسوتیون)^۴ به عنوان حزب حاکم و حزبی که اکثریت کرسی‌ها را در مجلس ملی ارمنستان در اختیار داشت به همراه دو حزب «ارمنستان شکوفا»^۵ (بارگاوادج هایاستان کوساکتسوتیون)^۶ و «فدراسیون انقلابی ارمنی»^۷ (هقاپوخاکان داشناکسوتیون)^۸ از تصویب

^۱ . Yes Front

^۲ . No Front

^۳ . Republican Party of Armenia

^۴ . Hayastani Hanrapetakan Kusaktsutyun, HHK

^۵ . Prosperous Armenia Party (PAP)

^۶ . Bargavadj Hayastan Kusaktsutyun

^۷ . Armenian Revolutionary Federation

^۸ . Hay Heghaphakhakanneri Dashnaktsutyun

این لایحه حمایت کردند. هر چند گزارش‌هایی از مخالفت اولیه حزب ارمنستان شکوفا منتشر گردید، اما در نهایت این حزب از تصویب لایحه پیشنهادی دولت حمایت نمود.^۱ اما مورد شایان توجه و تا حدی دور از انتظار حمایت دانشناکسوتیون به عنوان جدی‌ترین مخالف سرژ سارگسیان^۲ از لایحه پیشنهادی دولت بود. هر چند دانشناکسوتیون از زمان به قدرت رسیدن روبرت کوچاریان، همکاری نزدیکی با حزب جمهوری خواه داشت، اما مخالفت صریح و قاطعانه این حزب سنتی و با سابقه ارمنی با عادی‌سازی مناسبات ترکیه و ارمنستان موجب خروج وزیران متعلق به دانشناکسوتیون از ترکیب دولت سارگسیان شد. به نظر می‌رسد ریشه موضع حمایتی دانشناکسوتیون را ورای اختلافات سیاسی چند سال اخیر باید در حمایت سنتی این حزب چپ کلاسیک ارمنی از استقرار نظام پارلمانی در ارمنستان دانست. چنانچه در ابتدای این نوشتار اشاره شد، دانشناکسیون از جمله احزاب مخالف «کمیته منتخب تدوین قانون اساسی» در سال ۱۹۹۵ میلادی بود و در مقابل طرح پیشنهادی آن کمیته یعنی نظام ریاستی بر استقرار نظام پارلمانی پافشاری نمود.

اما در نقطه مقابل، ترکیب احزاب مخالف سیاسی تغییر ساختار سیاسی ارمنستان نیز شایان توجه بود. «حزب میراث»^۳ (ژارانگوتیون)^۴ از احزاب لیبرال ارمنی، «کنگره ملی ارمنه»^۵ که پس از حوادث خشونت‌بار انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ میلادی از ائتلاف احزاب سیاسی مخالف دولت سارگسیان شکل گرفت و حزب محافظه‌کار و با سابقه «اتحاد برای تعیین حق سرنوشت ملی»^۶ (آزگائین اینگنوروشوم میاوروم کوساکتسوتیون)^۷، مهم‌ترین احزاب سیاسی مخالف طرح تغییر ساختار سیاسی ارمنستان بودند و در همین راستا جنبشی تحت عنوان «جبهه نه» به همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی را سازماندهی نمودند. همچنین «جبهه رهایی عمومی ارمنستان جدید»^۸ بر علیه اصلاحات قانون اساسی

^۴ . حزب میراث، حزب لیبرال و نوپایی است که در سال ۲۰۰۴ میلادی توسط گاگیک تساروکیان، از چهره‌های سیاسی، اقتصادی و ورزشی پرنفوذ ارمنستان و از متحدین سرژ سارگسیان بنیانگذاری شد. تساروکیان پس از سال‌ها هدایت این حزب و حضور در صحنه سیاسی ارمنستان، به طور کلی از حضور در عرصه سیاسی ارمنستان کناره گرفت.

^۲ . Serzh Sargsyan

^۳ . Heritage Party

^۴ . Zharangutyun

^۵ . Armenian National Congress

^۶ . Union for National Self-Determination (UNSD)

^۷ . Azgayin Inknoroshum Miavorum Kusaktsutyun

^۸ . Front of National Salvation New Armenia

جمهوری ارمنستان شکل گرفت که چهره‌هایی چون رافی هوانیسیان^۱ و آرمن مارتیروسیان^۲، رهبر و معاون حزب میراث، ژیرایر سفیلیان^۳، هماهنگ کننده دبیر خانه این گروه، پتروس ماکیان^۴، رهبر حزب میهن دموکراتیک، همایاک هوانیسیان^۵، رئیس انجمن کارشناسان سیاسی ارمنستان و آندریاس گوکاسیان^۶، نماینده شورای جنبش مدنی به پا خیز ارمنستان در ترکیب آن حضور داشتند. هدف اصلی مخالفان این بود که در فاصله کوتاه مانده تا روز برگزاری همه‌پرسی (۶ دسامبر ۲۰۱۵) بتوانند افکار عمومی جامعه ارمنستان را به سمت مخالفت و دادن رای منفی به این طرح سوق دهند. (مارکاریان، ۱۰ آبان ۱۳۹۴) سارگسیان، رئیس جمهور ارمنستان در واکنش به شکل‌گیری «جبهه نه» اظهار داشت:

«بسیاری از مخالفان اصالت قانون اساسی خود را از اعضای "جبهه نه" می‌خواندند. من از به کارگیری این واژه خودداری می‌کنم، زیرا معتقدم ما اجازه ایجاد جبهه‌های مختلف در کشور را نداریم. این برای ملت ارمنستان با چنین سابقه تاریخی مناسب نیست. از سوی دیگر یکی از اهداف اصلی اصلاحات انجام گرفته ساختن فضایی است که در آن نیازی به ایجاد جبهه‌های مختلف و جنگ و دعوا نباشد» (چشم‌انداز روابط ایران و ارمنستان، ۱۷ آذر ۱۳۹۴).

در نهایت، پس از کش و قوس‌های فراوان، همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی ارمنستان در ۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی برگزار شد و طبق اعلام رسمی «کمیسیون مرکزی انتخابات جمهوری ارمنستان»^۷، اصلاحات پیشنهادی با ۶۶/۲۰ درصد آرای موافق در مقابل ۳۳/۸۰ درصد آرای مخالف به تصویب رسید و بدین ترتیب، ساختار سیاسی جمهوری ارمنستان پس از گذشت ۲۵ سال از دست یابی به استقلال سیاسی از ریاست جمهوری به پارلمانی تغییر یافت. جدول شماره ۴ گویای نتایج همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی در ۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی است.

^۱ . Raffi Hovannisian

^۲ . Armen Martirosyan

^۳ . Zhirayr Sefilian

^۴ . Petros Makeyan

^۵ . Hmayak Hovhannisyan

^۶ . Andrias Ghukasyan

^۷ . Central Electoral Commission (CEC) of the Republic of Armenia

اصلاحات قانون اساسی ارمنستان: تغییر ساختار سیاسی از ریاست جمهوری به پارلمانی / ۱۷۷

جدول شماره ۴: نتایج همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی ارمنستان (۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی)

گزینه‌ها	تعداد آرا	درصد آرا
آرای موافق	۸۲۵/۸۵۱	۶۶/۲۰
آرای مخالف	۵۳/۳۳۲	۳۳/۸۰
آرای باطله	۲۰/۳۶۴	-
مجموع آرا	۱/۳۰۳/۴۶۶	۱۰۰

Source: (Central Electoral Commission, December 2015)

محورهای اصلی اصلاحات قانون اساسی ارمنستان

هر چند موضوع اصلی و برجسته اصلاحات قانون اساسی ارمنستان که در ۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی به تصویب رسید، «تغییر ساختار سیاسی از ریاست جمهوری به پارلمانی» بود، اما اصلاحات صورت گرفته تنها محدود و منحصر به این موضوع نیست و محورها و ابعاد مختلف دیگری را به ویژه در ارتباط با جایگاه قانونی و اختیارات رئیس جمهور، نخست‌وزیر و پارلمان و نیز فرایندهای انتخاباتی در بر می‌گیرد که بسیار حائز اهمیت است. به طور خلاصه، محورهای اصلی اصلاحات قانون اساسی ارمنستان را می‌توان این‌گونه بیان نمود:

- «رئیس جمهور» به صورت نمادین در ساختار سیاسی باقی خواهد ماند؛
- نقش رئیس جمهور به یک مقام تشریفاتی بدون حق وتو تنزل می‌یابد؛
- رئیس جمهور دیگر حق انحلال پارلمان را نخواهد داشت؛
- رئیس جمهور نمی‌تواند یکی از اعضای احزاب سیاسی باشد و حق انتخاب مجدد را نیز از دست می‌دهد؛
- قدرت واقعی سیاسی و اجرایی در اختیار «نخست‌وزیر» قرار خواهد گرفت؛
- فرماندهی کل نیروهای مسلح ارمنستان از رئیس جمهور به نخست‌وزیر منتقل خواهد شد؛
- با این توضیح که نخست‌وزیر اختیار فرماندهی نیروهای مسلح در زمان صلح را برعهده خواهد داشت و در زمان جنگ، شورا و یا کمیسیون امنیت ملی مجلس ارمنستان تصمیم‌گیرنده خواهد بود؛
- دوره خدمت رئیس جمهور به جای پنج سال کنونی به هفت سال افزایش خواهد یافت؛
- انتخاب رئیس جمهور نیز دیگر از طریق مراجعه مستقیم به آرا عمومی و انتخابات صورت نخواهد پذیرفت و رئیس‌جمهوری ارمنستان توسط پارلمان انتخاب خواهد شد؛

- تعداد کرسی‌های پارلمان ارمنستان از ۱۳۱ به ۱۰۱ کرسی کاهش خواهد یافت؛
- یکی از سه پست معاونت مجلس ملی ارمنستان در اختیار حزب مخالف (اقلیت) قرار خواهد گرفت؛
- انتخابات پارلمانی بر مبنای کاملاً حزبی برگزار خواهد شد و دیگر فردی به صورت مستقل، انفرادی و خارج از برنامه‌های حزبی نمی‌تواند کاندیدای ورود به مجلس ملی ارمنستان شود؛
- در صورتی که در دور اول انتخابات پارلمانی یکی از احزاب و یا ائتلاف احزاب موفق به کسب اکثریت مطلق در مجلس نشود، انتخابات پارلمانی به دور دوم کشیده می‌شود. در دور دوم انتخابات دو حزبی که در دور اول اکثریت آرا را بدست آورده‌اند به رقابت پرداخته و حزب پیروز وظیفه تشکیل دولت را بر عهده می‌گیرد.

جایگاه و نقش قوه مقننه / مجلس ملی (اورنسدیر ایشخانوتیون/آزگائین ژوقو)^۱ در ساختار سیاسی جدید ارمنستان

ششمین دوره انتخابات پارلمانی ارمنستان در می ۲۰۱۷ میلادی، نخستین انتخابات پارلمانی خواهد بود که بر اساس اصلاحات قانون اساسی مصوب ۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی برگزار خواهد شد. برای نخستین بار، نتایج انتخابات پارلمانی، سرنوشت دولت و کابینه را به محوریت نخست‌وزیر را رقم خواهد زد و به عبارتی دیگر در ساختار پارلمانی ارمنستان، دولت از درون پارلمان شکل خواهد گرفت. لذا از این مقطع به بعد، انتخابات پارلمانی و ترکیب و آرایش سیاسی نیروها و جریان‌های سیاسی در پارلمان، نقش بسیار مهمی را در ساختار سیاسی ارمنستان ایفا خواهند نمود و همین امر توجه به این موضوع را ضرورت می‌بخشد.
به طور کلی، ارکان اصلی ساختار سیاست و حکومت در ارمنستان را بخش‌هایی چون ریاست جمهوری (هانرابدوتیان ناخاگاه)^۲، قوه مجریه/ نخست‌وزیری (گوردزادیر ایشخانوتیون/ وارچابد)^۳، قوه مقننه / مجلس ملی (اورنسدیر ایشخانوتیون/آزگائین ژوقو)^۴، قوه قضائیه (داداگان اوژن)^۵ و خودمختاری (اینکناواروتیون)^۱ تشکیل می‌دهد. تا پیش از تصویب قانون

^۱ . Orensdır Ishkhanutyun / Azgayın Zhoghov

^۲ . Hanrabadutyán Nakhagah

^۳ . Gordzadır Ishkhanutyun / Varchabed

^۴ . Orensdır Ishkhanutyun / Azgayın Zhoghov

^۵ . Dadagan Uj

اساسی جدید در جولای سال ۱۹۹۵ میلادی، ۱۹۰ نماینده مجلس ارمنستان از طریق رای مستقیم مردم انتخاب می‌شدند. در چهارچوب این نظام انتخاباتی، نمایندگان به دو صورت حزبی و فردی انتخاب می‌شدند. بدین صورت که ۴۰ نفر به صورت انفرادی (ماژو ریتار)^۱ و ۱۵۰ نفر نیز بر اساس نظام تناسبی (مینو ریتار)^۲ از میان احزابی که حائز بیشترین میزان رای بوده‌اند، انتخاب می‌شدند. انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۵ میلادی، آخرین انتخاباتی بود که بر مبنای این مقررات برگزار شد. (کوزه‌گر کالجی، الف، ۱۳۹۳: ۷۸)

اما در قانون اساسی جدید مصوب سال ۱۹۹۵ میلادی، تغییرات عمده‌ای در قوه مقننه ارمنستان ایجاد شد. بر اساس قانون جدید، قوه مقننه ارمنستان شامل یک پارلمان بود که تحت عنوان مجلس ملی (آزگائین ژوقوف)^۳ متشکل از ۱۳۱ نماینده است که از طریق رای مستقیم مردم برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌شود. بر اساس نظام انتخاباتی جدید، نمایندگان بازم به دو صورت حزبی و فردی انتخاب می‌شوند با این تفاوت که ۴۱ نفر به صورت انفرادی (ماژو ریتار) و ۹۰ نفر نیز بر اساس نظام تناسبی (مینو ریتار) از میان احزابی که حائز بیشترین میزان رای بوده‌اند، انتخاب می‌شوند. به عبارتی دقیق‌تر در بخش ماژوریتار، ۴۱ نفر از هر کدام از حوزه‌های انتخابیه به صورت انفرادی و با حمایت احزاب از سوی مردم برگزیده می‌شوند. در بخش مینو ریتار، ۹۰ نفر از طریق احزاب یا ائتلاف‌های شرکت‌کننده انتخاب می‌شوند. در واقع، مردم به احزاب یا ائتلاف‌ها (بلوک‌های سیاسی) رای می‌دهند و احزاب نیز بر حسب آرای که به دست آورده‌اند، افراد خود را بر اساس فهرست از پیش اعلام شده، روانه مجلس ملی (آزگائین ژوقوف) می‌کنند. حد نصاب ورود به مجلس ملی برای احزاب، ۵ درصد کل آرا و برای ائتلاف‌ها (بلوک‌های سیاسی) ۷ درصد از مجموع آرا است. این قانون نخستین بار در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۹ میلادی به مورد اجرا گذاشته شد و تا پنجمین دوره انتخابات پارلمانی ارمنستان در سال ۲۰۱۲ میلادی، مبنای اصلی انتخابات پارلمانی این کشور بود (کوزه‌گر کالجی، الف، ۱۳۹۳: ۷۸-۷۹).

اما براساس اصلاحات قانون اساسی مصوب ۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی که انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۷ میلادی بر مبنای آن برگزار خواهد شد، تعداد کرسی‌های پارلمان

¹ . Inknavarutyun

² . Single-Seat Constituencies

³ . Proportional Representation

⁴ . Azgayin Zhoghov

ارمنستان از ۱۳۱ به ۱۰۱ کرسی کاهش خواهد یافت. یکی از سه پست معاونت مجلس ملی ارمنستان در اختیار حزب مخالف (اقلیت) قرار خواهد گرفت؛ انتخابات پارلمانی بر مبنای کاملاً حزبی برگزار خواهد شد و دیگر فردی به صورت مستقل، انفرادی و خارج از برنامه‌های حزبی نمی‌تواند کاندیدای ورود به مجلس ملی ارمنستان شود؛ در صورتی که در دور اول انتخابات پارلمانی یکی از احزاب و یا ائتلاف احزاب موفق به کسب اکثریت مطلق در مجلس نشود، انتخابات پارلمانی به دور دوم کشیده می‌شود. در دور دوم انتخابات دو حزبی که در دور اول اکثریت آرا را بدست آورده‌اند به رقابت پرداخته و حزب پیروز وظیفه تشکیل دولت را بر عهده می‌گیرد.

بنابراین، چنانچه مشاهده می‌شود نظام انفرادی (ماژو ریتار) به طور کامل از نظام انتخاباتی حذف شده است و انتخابات پارلمانی ارمنستان تنها بر اساس نظام تناسبی (مینو ریتار) برگزار خواهد شد. این تغییر از یک سو موجب تقویت نظام حزبی در ساختار سیاسی ارمنستان به ویژه در جریان انتخابات پارلمان و شورای شهر خواهد شد، اما در عین حال، فضا را برای ورود نیروهای مستقل و یا احزاب سیاسی کوچک‌تر محدود خواهد ساخت. نکته بسیار مهم دیگر، کاهش تعداد کرسی‌های پارلمان از ۱۳۱ کرسی به ۱۰۱ کرسی است. با توجه به تشکیل دولت و انتخاب نخست‌وزیر از طریق انتخابات پارلمانی و نیز افزایش تدریجی جمعیت رای‌دهندگان، این انتظار می‌رفت که تعداد کرسی‌های پارلمان افزایش یابد تا امکان ورود نمایندگان و احزاب بیشتری به ترکیب پارلمان فراهم شود. اما نه تنها این تغییر صورت نگرفت، بلکه ۳۰ کرسی کم نیز شد. به همین دلیل، از دیدگاه مخالفان و منتقدین، کاهش تعداد کرسی‌های پارلمان ارمنستان از ۱۳۱ کرسی به ۱۰۱ کرسی، اقدامی حساب شده و هدفمند از سوی دولت سارگسیان برای حفظ جایگاه حزب جمهوری خواه در ترکیب پارلمان آینده ارمنستان باشد. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۲ میلادی، حزب جمهوری خواه موفق به کسب ۶۹ کرسی از ۱۳۱ کرسی شد که احتمال تکرار این روند در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۷ میلادی چندان دور از ذهن نخواهد بود. لذا به نظر می‌رسد کاهش تعداد کرسی‌ها از ۱۳۱ به ۱۰۱ کرسی می‌تواند، گامی در جهت حفظ اکثریت مطلق حزب جمهوری خواه و تشکیل دولت یک‌دست و غیر ائتلافی به محوریت شخص سرژ سارگسیان در آینده سیاسی ارمنستان باشد. در واقع، مخالفین و منتقدین بر این باور هستند که با توجه به اتمام دور دوم ریاست جمهوری سارگسیان در سال ۲۰۱۸ میلادی، تغییر نظام سیاسی از

ریاست جمهوری به پارلمانی این امکان را فراهم می‌سازد تا سرژ سارگسیان پس از پایان دوره ریاست جمهوری بتواند در قامت نخست‌وزیر ارمنستان به حضور خود در راس قدرت سیاسی ارمنستان ادامه دهد.

دیدگاه جامعه دیاسپورای ارمنی در قبال تغییر نظام سیاسی ارمنستان

جمعیت کنونی ارمنه جهان بیش از ۱۱ میلیون نفر است که تنها ۳/۷ میلیون نفر از آنها ساکن ارمنستان و منطقه قره‌باغ هستند و نزدیک به هشت میلیون نفر دیگر در نتیجه مهاجرت‌های اجباری و داوطلبانه در یک فرایند یک صد ساله در بیش از ۱۰۰ کشور جهان ساکن شده‌اند که از آنها تحت عنوان «دیاسپورای ارمنی»^۱ یاد می‌شود. جامعه بزرگ دیاسپورای ارمنی به دلیل پیوندهای عمیق ملی، تاریخی و احساس هویتی و همبستگی، بخشی جدایی‌ناپذیر از ملت ارمنی است و بخش مهمی از هویت ملی آن را تشکیل می‌دهد. این جامعه طی یک سده اخیر در روند تحولات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ارمنستان تأثیرات قابل توجهی برجای نهاده است (کوزه‌گر کالجی، ب، ۱۳۹۳: ۱۳) از این‌رو، هر نوع پژوهشی درباره تاریخ معاصر ارمنستان همراه با نادیده گرفتن نقش و تأثیرگذاری جامعه دیاسپورای ارمنی، مطالعه‌ای ناقص خواهد بود.

در رابطه با دیدگاه جامعه دیاسپورای ارمنی خارج از ارمنستان در قبال تغییر نظام سیاسی ارمنستان از ریاستی به پارلمانی، موضع مشخص و منسجمی اتخاذ نشده است. در این رابطه توجه به دو نکته شایان توجه است. نکته اول این که بخش اعظم دیاسپورای ارمنی به ویژه در محیط‌های دموکراتیک اروپایی و آمریکایی، ساختار سیاسی ریاستی را ساختاری اقتدارگرا و در ادامه روند اقتدارگرایی روسی و کمونیستی می‌دانند. لذا شاهد هستیم که در جریان تصویب قانون اساسی سال ۱۹۹۵ میلادی نیز نمایندگان احزاب اصلی دیاسپورایی یعنی حزب لیبرال آرمناکان-رامگاوار^۲ و دانشناکسوتیون در مقابل طرح الگوی ریاستی دولت ترپروسیان و «کمیته منتخب تدوین قانون اساسی» از استقرار نظام پارلمانی در ارمنستان حمایت نمودند. به همین دلیل، موضع حمایتی دانشناکسوتیون در حمایت از استقرار نظام پارلمانی در همه پرسش‌های اصلاحات قانون اساسی ۶ دسامبر ۲۰۱۵ میلادی در ادامه و تایید

^۱ . Armenian Diaspora

^۲ . Armenakan-Ramgavar

همین رویکرد است. به نظر می‌رسد با توجه به چنین پیشینه‌ای و نیز پایگاه اجتماعی و سیاسی گسترده دانشناکسوتیون در جامعه دیاسپورای ارمنی، طرح تغییر ساختار سیاسی ارمنستان از ریاستی به پارلمانی مورد تایید و حمایت ارمنه خارج از ارمنستان باشد. اما نکته دوم این‌که تغییر ساختار سیاسی ارمنستان به دلیل عدم برخورداری دیاسپورای ارمنی از حق شهروندی مضاعف و حق رای در انتخابات مختلف ارمنستان، عملاً منجر به تغییر محسوس و قابل توجهی در وضعیت ارمنه خارج از ارمنستان ایجاد نخواهد کرد. لذا حداکثر امیدواری جامعه دیاسپورای ارمنی این است که انجام این تغییرات منجر به اصلاحات سیاسی عمیق‌تر و نهادینه‌تر شدن فرایندهای دموکراتیک در جامعه ارمنستان شود و در درازمدت زمینه‌ای برای مشارکت سیاسی و حضور موثر جامعه دیاسپورای ارمنی در روند تحولات سیاسی و اجتماعی جمهوری ارمنستان فراهم شود (کوزه‌گر کالجی، ۴ آبان ۱۳۹۴).

موضع فدراسیون روسیه در قبال تغییر ساختار سیاسی در ارمنستان

از ابتدای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روس‌ها به مناطق آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان بخش مهمی از منطقه «خارج نزدیک»^۱ می‌نگرند که از اهمیت حیاتی برای فدراسیون روسیه برخوردار است. هدف اصلی روس‌ها، حفظ برتری هژمونیک در این منطقه و نیز حفظ کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در مدار سیاست خارجی روسیه است. لذا روس‌ها همواره با حساسیت فراوان، تحولات سیاسی کشورهای این منطقه را دنبال می‌کنند تا سمت و سوی تحولات سیاسی داخلی این کشورها نظیر تجربه انقلاب‌های رنگی گرجستان و قرقیزستان به سمت واگرایی از فدراسیون روسیه پیش نرود. در این راستا، موضوع ساختار سیاسی مبتنی بر الگوی ریاستی به عنوان الگوی حاکم و تثبیت شده در منطقه با قرار گرفتن روسای جمهور مادام‌العمر، اقتدارگرا و وفادار به مسکو در کشورهای منطقه، کاملاً هم سو با اهداف و منافع کلان فدراسیون روسیه است.

به همین دلیل، روس‌ها در قبال تغییر ساختار سیاسی جمهوری قرقیزستان از ریاست جمهوری به پارلمانی در سال ۲۰۱۰ میلادی، واکنش تند و انتقادی نشان دادند. پس از رای مثبت مردم قرقیزستان به همه‌پرسی ماه ژوئن ۲۰۱۰ میلادی که منجر به استقرار نظام

^۱ . Near Abroad

پارلمانی در این کشور شد،^۱ دمیتری مدودیف، رئیس جمهور وقت روسیه، طی اظهار نظری صریح، آشکارا از برقراری نظام پارلمانی در این کشور ابراز نگرانی کرده و ایجاد نظام پارلمانی را برای ثبات کشور قرقیزستان و منطقه آسیای مرکزی خطر ناک دانست. مدودف البته در سخنان خود صرفاً موضوع را از جنبه تامین ثبات داخلی و منطقه‌ای مورد توجه قرار داده بود، اما روشن بود که این دلیل اعلامی تنها یکی از اضلاع نگرانی روسیه از الگو شدن نظام پارلمانی در کشورهای واقع در حیات خلوت مسکو است (آقازاده، ۲۷ تیر ۱۳۸۹).

بنابراین با چنین پیشینه‌ای، موضع فدراسیون روسیه در قبال تغییر ساختار سیاسی از ریاست جمهوری به پارلمانی در ارمنستان شایان توجه است. در مورد تغییر ساختار سیاسی در ارمنستان، لحن کلی روس‌ها مثبت بود، ناظران روسی حاضر در برگزاری فراندوم ارمنستان از روند برگزاری آن حمایت کردند و رسانه‌های روسی نظیر ریانووستی نیز پوشش خبری و تحلیلی مثبتی از این رویداد ارائه کردند. به نظر می‌رسد، روس‌ها به نوعی از بابت حضور سرژ سارگسیان در عرصه قدرت سیاسی ارمنستان در قامت نخست‌وزیر پس از سال ۲۰۱۸ میلادی و ادامه روابط راهبردی روسیه و ارمنستان اطمینان داشته و لذا با رویکرد مثبت و حمایتی با فراندوم ارمنستان برخورد کرده‌اند. در همین راستا، «سرگئی مارکدونف»،^۲ از اساتید «دانشکده سیاست خارجی و مطالعات منطقه‌ای دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه»^۳ در مقاله‌ای با عنوان «آیا تغییرات پارلمانی در ارمنستان بدین معنی است که گفتمان این کشور در حال تغییر است؟»،^۴ این‌گونه ملاحظات روسیه را در قبال تغییر ساختار سیاسی ارمنستان بیان می‌کند:

^۱ . با سقوط دولت باقی‌اف در قرقیزستان، دولت موقت این کشور به رهبری خانم «رزا اوتونبایوا»، رئیس جمهور موقت قرقیزستان، اصلاحات قانون اساسی را در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۰ میلادی به همه‌پرسی گذاشت که با رای مثبت مردم قرقیزستان، ساختار سیاسی قرقیزستان از ریاست جمهوری به پارلمانی و یا ترکیب ریاستی - پارلمانی تغییر یافت. بدین ترتیب، قرقیزستان تنها کشور برخوردار از نظام ریاستی - پارلمانی منطقه آسیای مرکزی شد که دولت در نتیجه انتخابات پارلمانی شکل می‌گرفت. تا کنون دو انتخابات پارلمانی قرقیزستان در ۱۰ اکتبر ۲۰۱۰ میلادی و ۴ اکتبر ۲۰۱۵ میلادی بر مبنای ساختار سیاسی پارلمانی برگزار شده است.

^۲ . Sergey Markedonov

^۳ . Regional Studies and Foreign Policy Department of the Russian State University for Humanities

^۴ . Do Parliamentary Changes in Armenia Mean the Country is Shifting Course?

«از یک سو، اصلاح قانون اساسی و انتخابات، امور داخلی ارمنستان است. اما از سویی دیگر، ارمنستان یک متحد کلیدی برای روسیه در ماورای قفقاز به شمار می‌رود. ارمنستان تنها کشور این منطقه (قفقاز) است که نیروهای پیمان امنیت دسته جمعی^۱ در آن حضور دارند و نیز تنها کشور منطقه قفقاز است که عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۲ می‌باشد. بنا به همین دلایل، هرگونه تغییری در ارمنستان برای روسیه شدیداً حائز اهمیت است. در شرایط کنونی، انتخاب یک گزینه مطلوب را برای روسیه دشوار می‌سازد. روسیه می‌تواند همچنان به حمایت از حاکمیت سیاسی ارمنستان ادامه دهد. اما این خطر نیز وجود دارد که با تغییر قدرت سیاسی در ارمنستان، نخبگانی به قدرت برسند که با بدبینی و تردید به کرملین بنگرند. از این رو، روسیه نباید در درازمدت نسبت به این موضوع منفعلانه برخورد کند» (Markedonov, December 8, 2015).

جمهوری اسلامی ایران و تغییر ساختار نظام سیاسی ارمنستان

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هشت کشور نوبنیاد در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، الگوی ریاستی به محوریت ریاست جمهوری را به عنوان ساختار سیاسی نوین خود پذیرفتند که این امر هر چند در بسیاری از این جمهوری‌ها به تضعیف دموکراسی، تقویت اقتدارگرایی و ریاست جمهوری‌های مادام‌العمر منتهی شد، اما از منظر استقرار امنیت و ثبات در شرایط بی‌ثبات و شکننده دوران گذار جوامع آسیای مرکزی و قفقاز بسیار حائز اهمیت بود. از این رو، می‌توان استقرار و تثبیت الگوی ریاستی در این جوامع را از منظر ثبات‌بخشی و ایجاد امنیت در راستای منافع و امنیت ملی ایران در سطح مناطق آسیای مرکزی و قفقاز دانست. لذا با توجه به این نکته، روند تغییر ساختار سیاسی از ریاست جمهوری به پارلمانی در جمهوری قرقیزستان (۲۰۱۰ میلادی) و جمهوری ارمنستان (۲۰۱۵ میلادی)، تحولی است که از یک سو می‌تواند به تقویت بنیان‌های دموکراسی، جامعه مدنی و کاهش روندهای اقتدارگرایی در کشورهای منطقه کمک نماید، اما در عین حال، شکل‌گیری دولت‌های ائتلافی و عدم تفاهم و همکاری احزاب سیاسی در سطح پارلمان و دولت، امکان بروز بی‌ثباتی سیاسی،

^۱ . Collective Security Treaty Organization (CSTO)

^۲ . Eurasian Economic Union (EEU)

اجتماعی و امنیتی را نیز در پی خواهد داشت که در صورت تحقق، چنین شرایطی در راستای منافع و امنیت ملی ایران در سطح مناطق آسیای مرکزی و قفقاز نخواهد بود. با توجه به نکات یادشده، هر چند موضوع تغییر ساختار نظام سیاسی ارمنستان موضوعی داخلی و مرتبط با شیوه اداره سیاسی این کشور است، اما این موضوع نمی‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت نباشد. ارمنستان تنها همسایه مسیحی ایران محسوب می‌شود و روابط دو کشور طی ۲۵ سال گذشته از باثبات‌ترین روابط در میان ایران با همسایگان بوده است. هر چند به دلیل انسداد مرزهای ارمنستان از سوی آذربایجان و ترکیه و نیاز ژئوپلیتیک و راهبردی ارمنستان به ایران، بعید به نظر می‌رسد که این تغییر ساختار دست کم در کوتاه مدت بتواند تاثیری بر مناسبات نزدیک دو کشور بگذارد، ما در عین حال بروز بی‌ثباتی سیاسی، تشکیل دولت‌های ائتلافی و امکان به قدرت رسیدن نخبگانی با گرایش‌های متفاوت از رهبران فعلی در ساختار سیاسی ارمنستان، احتمالاتی است که روند تغییر ساختار سیاسی ارمنستان از ریاست جمهوری به پارلمانی را برای کشورمان حائز اهمیت می‌سازد و لذا رصد و پایش این موضوع را در داخل کشور ضرورت می‌بخشد.

نتیجه‌گیری

ارمنستان امروز وارث فرهنگ و تمدنی است که محصول تلفیق عوامل جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و تمدنی با تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی یک قرن اخیر می‌باشد. اکنون بیش از دو دهه از استقلال ارمنستان می‌گذرد و این کشور کوچک منطقه قفقاز جنوبی، فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر نهاده است. تردیدی نیست که جامعه ارمنستان، «جامعه در حال گذاری»^۱ است که پس از تحمل قرن‌ها استبداد داخلی و خارجی و اندیشه اقتدارگرایی تزاری و توتالیتر کمونیستی و عدم استقلال سیاسی، بیش از دو دهه است که گام در مسیر دموکراسی و اصلاحات اجتماعی و اقتصادی نهاده است و هنوز مسیر دشواری را در روند دولت-ملت‌سازی مدرن در پیش دارد. از این‌رو، موضوع انتخاب و استقرار الگوهای ریاستی یا پارلمانی در ساختار سیاسی ارمنستان را باید بخشی از این فرایند کلان دانست که جامعه ارمنستان از ابتدای استقلال سیاسی تا به امروز با آن دست به گریبان بوده است.

^۱ . Transitional Society

با وجود این، واقعیت آن است که نظام سیاسی ارمنستان در میان نظام‌های سیاسی اقتدارگرای مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، همواره یک نظام نیمه دموکراسی (شبه دموکراسی) بوده است که رگه‌هایی از اقتدارگرایی به موازات رفتارهای دموکراتیک و مدنی از جمله عدم تجربه ریاست جمهوری‌های مادام‌العمر و برگزاری منظم، پیوسته و نسبتاً رقابتی انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری را تجربه نموده است. هر چند، وجود نظام ریاستی و تمرکز قدرت سیاسی در دست رئیس‌جمهور از یک سو موجب تقویت اقتدارگرایی و حتی شکل‌گیری شبکه‌های الیگارش‌پیرامون روسای جمهور ارمنستان طی ۲۵ سال گذشته شده است اما از سویی ثبات، امنیت و آرامش را نیز در این کشور به دنبال داشته است.

در رابطه با نقطه قوت و پیامد مثبت استقرار نظام پارلمانی در جمهوری ارمنستان می‌توان گفت در درازمدت، نظام پارلمانی تا حد زیادی از روند اقتدارگرایی موجود در نظام سیاسی ارمنستان خواهد کاست، جایگاه پارلمان و احزاب سیاسی را در ساختار سیاسی این کشور ارتقا خواهد داد و در نهایت موجب تقویت روندهای مردم‌سالاری در جامعه ارمنستان خواهد شد. اما در عین حال، نقطه ضعف استقرار نظام پارلمانی به ویژه در کوتاه مدت را می‌توان احتمال بروز بی‌ثباتی سیاسی در جامعه ارمنستان دانست. در ارمنستان با جمعیت ۳ میلیون نفری، بیش از ۷۰ حزب سیاسی فعالیت می‌کنند که حزب حاکم جمهوری خواه، جنبش ملی آرامنه، میراث، ارمنستان شکوفا، دانشناکسوتیون و هنجاکیان از جمله قدرتمندترین و تاثیرگذارترین آن‌ها به شمار می‌روند. استقرار نظام پارلمانی به منزله تشکیل دولت از درون انتخابات پارلمانی است و در صورت عدم کسب اکثریت قاطع از سوی یک حزب برای تشکیل کابینه، امکان تشکیل دولت‌های ائتلافی و شکننده و یا سقوط دولت‌های ائتلافی در نتیجه خارج شدن احزاب ائتلاف کننده در ترکیب کابینه، چندان دور از انتظار نخواهد بود.

منابع و مأخذ

- "اظهارات سرژ سرکیسیان پس از تصویب اصلاحات قانون اساسی در ارمنستان"، چشم‌انداز روابط / ایران و ارمنستان، ۱۷ آذر ۱۳۹۴.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰) *مبانی سیاست*. جلد نخست، چاپ ششم، تهران: انتشارات طوس.
- پاسدارماجیان، هراند (۱۳۶۶) *تاریخ ارمنستان*. ترجمه محمد قاضی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- روبرت مارکاریان، "تغییر قانون اساسی برای بازتولید حکومت سرکیسیان؟"، سایت دیپلماسی / ایرانی، ۱۰ آبان ۱۳۹۴.
- *روزنامه آلیک*، چاپ تهران، ۱۸ تیر ۱۳۷۴ / ۲۱ تیر ۱۳۷۴.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴) "تحلیلی بر حقوق و قانون اساسی ارمنستان"، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۰، تابستان، صص ۶۳-۷۸.
- روشندل، جلیل و رافیک قلی‌پور (۱۳۷۷) *سیاست و حکومت در ارمنستان*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۱) *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی؛ کلیات و مبانی*. جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- کوزه‌گر کالجی، ولی. "تلاش برای اصلاحات قانون اساسی: تغییر ساختار سیاسی ارمنستان از ریاست جمهوری به پارلمانی". *موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)*، ۴ آبان ۱۳۹۴.
- کوزه‌گر کالجی، ولی. الف، (۱۳۹۳) *تحولات سیاسی جمهوری ارمنستان (۱۹۸۸-۲۰۱۳ میلادی)*، تهران: انتشارات آشیان، چاپ اول.
- کوزه‌گر کالجی، ولی. ب، (۱۳۹۳) *جریان‌های سیاسی جمهوری ارمنستان (مبانی فکری، دیدگاه‌ها و رویکردها)*، تهران: انتشارات آشیان، چاپ اول.
- مازیار آقازاده، "تحلیل چرایی نگرانی روسیه از نظام پارلمانی قرقیزستان"، *مرکز بین‌المللی مطالعات صلح*، ۲۷ تیر ۱۳۸۹.

- Grotz, Nohlen, D, F & Hartmann(2001), *Elections in Asia: A Data Handbook*. Volume I, 2001.
- "Election Profile for Armenia". *ElectionGuide*. November 27, 2005.
- Karine Asatryan , "Constitutional Wrangling in Armenia". *Institute for War and Peace Reporting*. March 11, 2005.
- "Armenia: Opposition Calls For Boycott of Constitutional Referendum", *Radio Free Europe/Radio Liberty*, November 23, 2005.
- "The Armenian Opposition Movement Demonstrates on the Day Following the Referendum on the Constitution", *Caucas*. December 13, 2005.

- “Armenia: Opposition Contests Official Turnout Figures In Referendum”, *Radio Free Europe/Radio Liberty*, November 28, 2005.
- “Armenia Constitutional Referendum 2003”, *ElectionGuide*, Accessed on: February 23, 2012.
- “Armenia Constitutional Referendum 2005”, *ElectionGuide*, Accessed on: February 23, 2012.
- “Kocharian Thanks Armenians For ‘Great’ Referendum Win”, Available at: www.armenialiberty.org, November 29, 2005, Accessed on: February 23, 2012
- “Armenia: Opposition Claims Fraud in Controversial Referendum”, *Radio Free Europe/Radio Liberty*, November 27, 2005.
- Haroutiun Khachatrian, “Turnout Controversy Clouds Armenian Constitutional Refrendm”, *Eurasianet.org*, November 28, 2005.
- “Armenian Referendum Was Rigged, Says Government Official”. Available at: www.armenialiberty.org, 2005-12-28.
- Emil Danielyan and Ruzanna Khachatrian, “Armenians Voting in Tense Constitutional Referendum, *Eurasianet.org*, November 26, 2005.
- *Central Electoral Commission (CEC) of the Republic of Armenia*, December 2015.
- Sergey Markedonov, "Do Parliamentary Changes in Armenia mean the Country is Shifting Course?", *Russia Direct*, December 8, 2015.